

17 جولای 2019

داکتر سید عبدالله کاظم

(به مناسبت چهل ششمین سالگرد اولین جمهوری افغانستان)

کتاب "زندگی سیاسی شهید محمد داؤد از آغاز تا انجام" تقدیم به علاقمندان تاریخ معاصر کشور



نویسنده با افتخار این کتاب خود را اهداء کرده است:

به روان پاک

همه شهدای گلگون کفن افغانستان، از جمله آنهاییکه در گلوله باران ارگ ریاست جمهوری در صبحگاه 8 ثور 1357 بوسیله کودتا چیان ظالم و خونخوار جام شهادت نوشیدند، خاصاً

شهید محمد داؤد اولین رئیس جمهور کشور - ابر مردی مسلمان و وطندوست که:

- 47 سال عمر خود را با دیانت و صداقت در راه خدمت به وطن و مردم خود گذشتاند،

- چهره افغانستان را از یک کشور قرون وسطائی به یک دنیای نوین تغییر داد،

- نهضت زنان را در دوره دوم به ثمر رسانید،

- دستش به فساد و سوء استفاده هرگز دراز نشد،

- در راه ترقی و اعتلای کشور تا پای مرگ تلاش کرد،

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

- در حفظ ناموس وطن و مردم همچو دژ استوار ایستاد،
- جان داد و اما به دشمن تسلیم نشد،
- افتخارش خدمتگذاری به وطن و مردمش بود.
روح این بزرگمرد و قهرمان واقعی وطن شاد و یادش گرامی باد!!

این کتاب که در سه جلد و جمعاً 1322 صفحه اخیراً بوسیله یکی از مطابع مشهور وطن - "مطبعه عازم" در کابل به چاپ رسیده و آماده توزیع میباشد، در نوع خود اولین اثری خواهد بود که در این موضوع با همین وسعت و عمق به رشته تحریر درآمده است. جلد اول در 444 صفحه به بررسی قدمه های اول کاری شهید محمد داؤد به حیث یک افسر نظامی پرقدرت و فعال و سپس به دوره ده ساله صدارت او و همچنان دوره عزلت پس از استعفی از مقام صدارت اختصاص دارد که جمعاً 42 سال را دربر میگیرد و مشتمل بر هفت بخش است. جلد دوم در 592 صفحه شامل بررسی های همه جانبه دوره جمهوری پس از کودتای 26 سرطان و سقوط سلطنت میباشد که از بخش هشتم تا بخش دهم ادامه دارد و اما جلد سوم در 286 صفحه به سقوط جمهوریت و کودتای منحوس ثور 1357 و جوانب مختلف آن اختصاص یافته که تحت عنوان "فرجام خونین" از بخش یازدهم تا بخش پانزدهم را دربر میگیرد. علاوه بر بخش ها به فصل های متعدد و هر فصل نیز به اجزاء و عناوین فرعی تقسیم گردیده که فهرست مکمل آن در آغاز هر جلد گنجانیده شده است. در پایان جلد دوم چند ضمیمه و در ختم جلد سوم فهرست آثار دیگر نویسنده کتاب افزود گردیده است.

برای پاسخ به این سؤال که چرا نویسنده با قبول زحمت فراوان و با وجود مشکلات و حساسیت های موضوع به نوشتن این کتاب اقدام نموده است، بهتر خواهد بود تا نگاهی به پیشگفتار در آغاز کتاب انداخته شود که ذیلاً خدمت تقدیم میگردد:

پیشگفتار

از آنجائیکه محتوای این کتاب یک بحث تاریخی است، لازم میدانم چند نکته مختصر درباره تاریخ بعرض برسانم: تاریخ به اساس تعریف کلاسیک همچو "آئینه ای است که گذشته را در برابر چشم نسل بعدی منعکس می سازد". بعضی ها این تعریف را جامع نمیدانند، زیرا آئینه بازتاب دهنده تمام زوایای حوادث بشری بوده نمیتواند. اینجاست که مفهوم تاریخ فرا تر از آن میرود که صرف آئینه ای گذشته باشد، بلکه تاریخ تجسس و تفحص پیرامون چرا و چگونگی وقوع حوادث را نیز دربرمیگیرد و به همین لحاظ است که مؤرخ و محقق با بررسی دلایل آن سروکار دارد.

برای پاسخ به سؤالی "چرا و چگونه" وظیفه محقق یا مؤرخ طوری تبارز میکند که نخست باید دارای تجربه در تفکر تاریخی باشد یعنی حاکم بر اوضاع و احوال زمان وقوع رویداد و دیگر بتواند درباره مسائل مورد بحث تأمل و تفکر کند، به تحلیل و ارزیابی حوادث در زمان و مکان مشخص بپردازد، بکوشد به پرسش های مطروحه جواب بگوید و مدارک و اسناد دست داشته را تفسیر نماید. به این اساس تاریخ از واقعه نگاری فاصله میگیرد و ماهیت علمی را کسب میکند که وظیفه ای آن مطالعه رویدادهایی است که دیگر در معرض مشاهده ما قرار ندارند و مؤرخ باید با برهان و دلیل از آنچه که قابل دسترسی ما از آن رویدادها از طریق توسل به مدارک و اسناد، شواهد و قراین میباشند، با استدلال منطقی ارائه دارد.

د پانو شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولی

به نظر "برادلی" - یکی از تاریخ دانهای انگلیس: مؤرخ کسی است که دیگر به آنچه مراجع میگویند، اکتفا نمیکند؛ او بدنبال صحت و سقم آن گفته ها می‌رود. "کالینگ وود" دانشمند دیگر انگلیس می‌افزاید: در میان اظهارات مراجع، مؤرخ باید نکات دیگری را که مستلزم شرح رویداد است و موجب اكمال آن میشود، علاوه نماید. با این زعم هیچ مؤرخ صرفاً متون مرجع خود را سر تا آخر رونویس نمیکند و حتی اگر چیزی از خود بر آن نیفزاید، اما از آن متون چیزهایی را که ببرد کارش میخورند، بر می‌گزیند و آنچه را ببرد کارش نمیخورند، کنار میگذارد. بنابراین مؤرخ از آنچه در کار خود وارد کرده است، مسئولیت آنرا نیز بدوش دارد. مؤرخ مختار است، چیزی را که مراجع به او گفته اند، رد کند و چیز دیگر را در جای آن قرار دهد و او در اینصورت میتواند برای خود مرجعیت شود و حقیقت را مورد بررسی قرار دهد. بناءً موضوع تاریخ "درک حقیقت" و هدف آن "کشف حقیقت" است و در این ارتباط مؤرخ باید بکوشد علت و معلول آنرا دریابد و در جستجوی مدارک و مآخذ معتبر و اصیل برآید و اینکار اولین وظیفه محقق تاریخ محسوب میشود. (برای توضیح مزید به مقاله مبسوط و تحقیقی "تاریخ چیست؟" از قلم: کاندید اکادمیسین محمد اعظم سیستانی، منتشره افغان جرمن آنلاین، مورخ 22 اپریل 2013 مراجعه شود)

بدون شک بررسی و ارزیابی انبوه این مدارک ایجاب میکند که شخص دارای صلاحیت علمی و تحقیقی لازم باشد تا نخست به مدارک قابل اعتبار دسترسی پیدا کند، آنها را بدقت بخواند و از آن نکاتی را برگزیند که ببرد کارش میخورد و آنرا به حیث متمم نظر خود ارائه دارد. در اینجا لازم به تذکر است که مؤرخ غره به دریافت های خود نشود و آنرا نهائی و کامل و جامع نپندارد، چه بسا ممکن است که مؤرخ و محقق در مورد نتایج حاصله از کار خود دچار اشتباه شده باشد، لذا بر مؤرخ است که از انتقاد دیگران بریافته های خود دلگیر نشود و آنچه را از نظر منتقدان معقول می‌پندارد، به آن تن دهد و در پی اصلاح کار خود افتد.

در این پیشگفتار قابل یادآوری میدانم با آنکه رشته اصلی من اقتصاد و سوسیولوژی (جامعه شناسی) است، ولی حوادث روزگار در وطن طی این چهار دهه ای پرماجرا مرا از رشته اصلی تاحدی دور ساخته و توجهم را بیشتر بسوی مسائلی سیاسی و بررسی موضوعات حاد کشور معطوف کرده است. از سه دهه بدینسو که میدیای افغانی قدم بقدم در دیار غربت انکشاف کرد و زمینه نشر مقالات و بررسی رویدادهای کشور از طریق رادیوها و تلویزیونهای افغانی در خارج فراهم گردید، من هم با این موج همراه شدم و با اشتراک در مصاحبه ها و نیز پیش بردن برنامه های مستقل رادیویی و تلویزیونی مصروف گردیدم و در عین زمان طی همین مدت با انکشاف رسانه های چاپی و انترنتی به نوشتن مقالات و تألیف کتب و رساله ها مبادرت ورزیدم. خوشحالم از اینکه به لطف الهی توانستم جمعاً بیش از 600 مقاله و تعدادی از رساله ها و نیز چندین عنوان کتاب را در ایام هجرت به نشر برسانم و از این راه خدمت ناچیز برای جامعه افغانی در داخل و خارج کشور انجام دهم. به فرموده استاد بزرگ آقای عبدالرحمن پژواک:

به پیری گر ز دستم کار سر افشان نمی آید
رهن طبع خویشم، خامه را شمشیر می سازم

اکنون که مدتیست خزان عمر در حال برگ ریزان است و قدم در زمستان هستی گذاشته ام، میخواهم تا خاموشی این چراغ توجه خود را بیشتر در راه تحقیق و بررسی حوادث تاریخی کشور که سخت مورد تحریف قرار گرفته و حب و بغض های از هر قبیل برواقعیت ها سایه افکنده است، معطوف دارم. در این راستا تاحد توان سعی بلیغ و تلاش جدی خواهم کرد که با آنچه در آغاز این مقدمه راجع

به رسالت و مسئولیت یک مؤرخ و محقق بیان گردید، برطبق آن وقایع تاریخ معاصر کشور را به بررسی و تدقیق گیرم و بکوشم با ملاحظه مدارک و اسناد دست داشته بر زوایای تاریک آن روشنی اندازم، تاراه را برای قضاوت سالم نسل جوان باز کنم و تجارب و اندوخته هایی را که روزگار طی مدت طولانی پر از نشیب و فراز زندگی برایم آموخته است، به حیث یک میراث ناچیز از خود بجا بگذارم.

نویسنده بارها علناً گفته است که به شخصیت های صادق و خادم مردم و وطن و کسانی که عمر خود را وقف انکشاف و تعالی کشور کرده و از خود کارنامه های مهم و روشن به میراث گذاشته اند، احترام بسیار دارد و شرح خدمات شانرا بر خود واجب میدانند تا بدانوسیله از یکطرف کارکردهای آنها از زیر سایه انتقادات و اتهامات اغلب ناوارد و "عقده مندانه" بیرون شود و از طرف دیگر یک تصویر قرین به واقعیت از رویدادهای تاریخی وطن برای نسل جوان ارائه گردد، زیرا این نسل در اثر جریان های چند دهه اخیر درمسائل تاریخی دچار سردرگمی شده اند و نمیدانند که به سخن کی اعتماد و باور کنند.

امروز هر شخصیت آگاه از مسائل، این وظیفه را دارد تا در همچو موارد به ابراز نظر بپردازد و اثری بنویسد، به شرطیکه مسائل را وجه شخصی ندهد و آنچه را تحقیق و تتبع میدارد با کمال امانتداری و رعایت شیوه های علمی و اکادمیک مطرح بحث سازد.

از جمله بزرگان و مردان تاریخ ساز که عمری را در خدمت وطن و مردم گذشتانده و از خود کارنامه های مهم و روشن به میراث گذاشته، یکی هم شهید محمد داؤد است که دست آورد زحمات او در مدت 47 سال زندگی سیاسی اش بدون شک جزء لایتجزای تاریخ نیم قرن افغانستان میباشد.

ماجرای زندگی این شخصیت متبازتاریخ معاصر کشور از آغاز تا انجام طی دوره های مختلف در این کتاب بطور تحلیلی و مستند مورد بررسی قرار گرفته است. دلیل نوشتن این کتاب با همه شرح و بسط آن به هیچ وجه مبتنی بر علایق شخصی نیست، بلکه تلاشی است برای بررسی حقایق تاریخی و بیرون کشیدن آن از شایعات و تحریف ها تا نسل های فردای کشور درمقایسه با آثار دیگر بتوانند در مورد واقعیت رویدادها قضاوت سالم نمایند.

اینجانب نخواستہ است که موضوعات مهم تاریخی را بطور شعار گونه در چند فقره و چند سطر خلاصه کرده و به روی آن حکم صادر نماید، بلکه کوشیده تا مسائل مربوطه را برمبنای اسناد و مدارک، شهود و قراین به تحلیل و بررسی بطورمشرح و همه جانبه بیان کند.

باید اذعان دارم، وقتی کتابها و آثاری را در همین مورد میخوانم، با تأسف می بینم که بعضی از آنها تا چه حد از روی انگیزه های شخصی، فکری و عقیدتی به بررسی مسائل پرداخته اند. اگر کتابی را که بوسیله یک شخص وابسته به جناح های چپ و یا راست افراطی نوشته شده میخوانم، باز هم می بینم که آنها تلاش داشته اند تا قضاوت خود را بر مبنای افکار گروپی خود استوار سازند و مسائل را از همان دریچه خاص نگاه کنند که مسلماً نظر شان از آفاقیت بدور می رود.

بدیهی است که محمد داؤد مثل دیگر بزرگان مخالفان زیاد داشته و دارد، اعم از جناح های راست افراطی خاصاً در بین تنظیم های جهادی و نیز در بین جناح های چپ افراطی از جمله خلق و پرچم و در عین زمان کسانی که به نحوی در رژیم شاهی صاحب مقام و منزلت بودند و بعداً امتیازات را از دست دادند و هم کسانی که با اشکال و دلایل احساسی و شخصی موقف مخالف را بخود گرفته اند. این

عده اشخاص میکوشند محمد داؤد را بیشتر به دلیل دیکتاتور بودن، خود خواهی، سر زوری و یا عطش او به مقام و قدرت بکوبند و او را با معمر قذافی یا صدام حسین همطراز نشان دهند، درحالیکه این تشابه نادرست است و محمد داؤد هیچگاه برای منافع شخصی خود از مقام استفاده نکرده و در اعمال قدرت به مثل آنها توسل نجسته است.

شرح و بسط موضوعات مندرج این کتاب برای کسانی دلچسپ نخواهد بود که عادت به مطالعه نوشته های کوتاه و مختصر در چند صفحه دارند، بلکه محتویات این کتاب بیشتر به درد محققان تاریخ و نیز نسل جوان که آرزومند آگاهی از جزئیات رویدادها باشند، خواهد خورد.

در این اثر کوشیده شده است از کسانی نقل قول صورت گیرد که خود در جریان قضایا بوده و یا از نزدیک با جریانات و رویدادها آشنائی داشته اند. از نظریات آنها نکاتی برگزیده شده که بدرد کار در این کتاب میخورده و این نکات به حیث متمم و مؤید نظر نویسنده طی بخش ها و فصول متعدد کتاب انعکاس یافته است.

تأسف من در آنست که دیگران میکوشند از هر جنگ سالار و یغما گر شخصیت و زعیم بتراشند، ولی کسانی که سعی دارند شخصیت های تاریخی کشور که عمری را در راه خدمت به وطن و مردم صرف کردند و مردانه وار جام شهادت نوشیدند و نه بلند منزلی و نه حساب های ملیون دالری از خود باقی گذاشتند، به گونه ای مورد تاخت و تاز غیر منصفانه قرار دهند. بازهم با تأسف که عادت داریم مسئولیت همه امور را بدوش یک نفر بیندازیم تا خود را در مجموع تبرئه کرده باشیم. در سقوط نظام جمهوری دست های زیاد از خود ما شریک بود و خیانت های پیهم یک تعداد گماشتگان شوروی و حتی کسانی که در داخل آن نظام در رده های بالا قرار داشتند، در این فاجعه و بعد از آن شریک بودند. امروز ما چشم به زیر انداخته هیچیک به روی خود نمی آوریم. بعضی از آنها میکوشند نقاب بر چهره اندازند و با نوشتن کتابهایی برای برائت خود با زرنگی خاص از حقایق طفره بروند و بگویند که ما چپی وابسته به خلق و پرچم و شوروی نبودیم. آفتاب را نمیتوان با دو انگشت پنهان کرد.

در نوشتن تاریخ باید کوشید از روی رازهای پوشیده پرده برداشت، ولو که اینکار بر تعداد مخالفان بیافزاید. لذا نوشتن و بیان حقایق در تحت این شرایط کار آسان نیست و ابراز مخالفت ها را حتی با کلمات ناموزون از طرف مخالفان باید قبول کرد، زیرا آنها میکوشند با واردن کردن انواع فشارها نویسنده و محقق را از کارش بیزار سازند. اما کسانی که هدف خود را جستجوی حقایق تاریخی قرار داده اند، باید با صبر و شکیبائی این فشارها را تحمل نمایند و بکار خود ادامه دهند و سعی کنند تا سیاه را از سفید جدا نمایند و اما قضاوت را به دیگران واگذارد.

با استفاده از فرصت در این پیشگفتار میخوام توجه را به چند نکته ذیل مختصراً جلب کنم:

الف - من به همه شخصیت های پاک، صادق به وطن و مردم و حامی منافع ملی کشور احترام و اخلاص داشته و به خدمات شان قلباً ارج میگذارم، ولی صادقانه میگویم که با هیچیک از زعمای گذشته و حال افغانستان وابستگی سیاسی و شخصی نداشته و همیشه کوشیده ام تا آزادی فکری خود را نگهدارم. در این ارتباط بصراحت بیان میدارم که هدف از نوشتن این کتاب و یا نوشته های دیگرم در این زمینه به هیچ وجه مفهوم "سرسپردگی" را با آن شهید ندارد، نه در آنوقت صاحب مقام بالاتر از اهلیت خود بوده ام که با ازدست دادن آن حالا در پس سرسپردگی برآمده باشم و نه چشم به کدام مقام و منفعتی دوخته ام و نه کسانی از محمد داؤد اکنون در موقفی قرار دارند که به آن امید از او به

دفاع برخیزم، ولی به حیث یک افغان این رسالت را وظیفه خود میدانم بر یک قسمتی از تاریخ کشور روشنی اندازم تا نسل فردا بتواند در پرتو آن به حقایق تاریخی کشور دست یابد.

ب - شیوه ای تحقیق و آفاقیت در بررسی رویداد های تاریخی ایجاب میکند تا وقایع را در بستر زمان وقوع آن مورد تدقیق و مطالعه قرار داد. کسانیکه وقایع گذشته را با معیار های امروز می سنجند، در قضاوت خویش دچار اشتباه میشوند.

ج - از آنجائیکه هر شخصیت بزرگ از خود حامیان و نیز مخالفانی دارد، لذا برای یک محقق "غیرجانبدار" لازم است تا در شناخت منابع و مآخذ و نویسندگان آن موشگافی نموده و در اتکاء به نظر آنها کمال احتیاط را بخرچ دهد. رعایت دقیق این موضوع براهمیت تحقیق و نیز اعتبار محقق می افزاید و میتواند جامعه را بسوی درک یک حقیقت تاریخی بطور احسن رهنمائی کند.

د - دفاع از (و یا انتقاد بر) نظریات یک رهبر سیاسی حق مسلم هریک است و اینکار وقتی قابل توجه پنداشته میشود که ابراز نظر در زمینه با حفظ عفت کلام و مبتنی بر مدارک معتبر باشد.

ه - برای سهولت خوانندگان در این کتاب مآخذ و منابع فقط جابجا در ادامه موضوع در بین قوسین با حروف کوچکتر نوشته شده و اما در پایان هر جلد فهرست مآخذ به حیث ضمیمه علاوه گردیده است. آنچه در بین ناخنک «..» آمده اقتباس از متن مآخذ است و آنچه در بین "...." آمده نقل قول در داخل یک نقل قول بوده و آنچه در بین براکت [...] گنجانیده شده، متن توضیحیه در داخل نقل قول میباشد که از طرف نویسنده کتاب در آن علاوه شده است.

و - شیوه نویسنده ایجاب میکند که با حفظ احترام به اشخاص مورد بحث از تکرار اسم مکمل و القاب شان منصرف شده و فقط با ذکر اسم معمول از آنها نام برده شود؛ در این نوشته از شهید سردار محمد داؤد خان تنها با ذکر "محمد داؤد" و همچنان از شخصیت های دیگر به عین شکل بطور اختصار فقط با ذکر نام و یا تخلص شان اکتفا میگردد و از تکرار القاب صرف نظر میشود، به استثنای حالاتیکه شخص با القاب شهرت یافته باشد.

ز - نویسنده به هیچ وجه ادعا ندارد که این اثر جامع و کامل است، بلکه کم و کاستی هایی در آن وجود خواهد داشت که یا از نظر نویسنده بدور مانده و یا نویسنده اشتباه کرده است. امید است صاحب نظران وارد در قضایا با ارائه نظریات صائب، مستند و مستدل خود کوتاهی این اثر را بر شمارند تا ذهن خواننده را بسوی حقایق تاریخی رهنمون شوند و بر این نویسنده منت گذارند تا در پی اصلاح آن برآید.

در پایان برخود لازم میدانم از همسر عزیزم راضیه کاظم قلباً ابراز امتنان کنم که نه تنها در اهتمام این اثر، بلکه در طول زندگی مشترک همیشه حامی، ممد و مشوق کارهای فرهنگی ام بوده و در این راه از هیچ نوع همکاری و مساعدت دریغ نکرده است. همچنان از دوستان عزیز می نمایم که در چاپ این کتاب زمینه سازی نموده و امور آنرا واریسی کرده اند، صمیمانه تشکر می نمایم. از وبسایت وزین افغان جرمن آنلاین که مقالات مرا در این مدت یازده سال با جبین گشاده و قدردانی به نشر رسانیده است، بدینوسیله ابراز امتنان و سپاس میدارم.

داکتر سید عبدالله کاظم

مورخ 5 جنوری 2019 (15 جدی 1397)

د پانو شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

یادداشت:

قابل تذکر است که نویسنده کتاب در نظر داشته است تا از جمله یکهزار نسخه (مشمول بر سه جلد) به تعداد 150 نسخه را بطور رایگان برای مؤسسات فرهنگی، پوهنتونهای دولتی و کتابخانه های عامه کشور در اختیار بگذارد و در این راستا از مقام ریاست پوهنتون کابل خواهش نموده تا در توزیع آن به مراجع مربوطه همکاری نماید. نویسنده کتاب بدینوسیله از همکاری دانشمند محترم جناب آقای حمیدالله فاروقی رئیس پوهنتون کابل ابراز امتنان میدارد.

همچنان نویسنده کتاب به تعداد 250 نسخه را برای خود اختصاص داده تا برای علاقمندان در امریکا توزیع کند و چون مصارف پستی ارسال کتاب از کابل به کالیفورنیا (محل اقامت نویسنده) بسیار گزاف است، لذا سعی بعمل خواهد آمد تا زمینه ارسال آن از طریق مناسب و ارزانتر صورت گیرد. علاوه بر پورتال "افغان جرمن آنلاین" که نویسنده کتاب از سال 2007 تا حال افتخار همکاری با آن پورتال وزین را داشته و تاحال به تعداد 600 مقاله از این قلم را به نشر سپرده است، با قدردانی از خدمات فرهنگی شان به تعداد 50 نسخه را به آن پورتال اهداء میدارد تا عاید حاصله از فروش آنرا برای تقویه بنیه مالی پورتال استفاده نمایند (البته انتقال کتابها به جرمنی بعهده خودشان خواهد بود). ضمناً در اثر تقاضای یک شخصیت محترم که حاضر شده مصارف پستی یک تعداد نسخه های کتاب را به آسترالیا بعهده گیرند، به تعداد 50 نسخه طور رایگان به ایشان تقدیم میگردد تا برای علاقمندان در آنجا توزیع نمایند. باقیمانده 500 نسخه دیگر در یک کتابفروشی در شهر کابل جهت فروش قرار داده میشود تا علاقمندان بتوانند در بدل قیمت معینه آنرا دستیاب کنند.

تا معلوم شدن مرکز فروش علاقمندان میتوانند برای مزید معلومات در زمینه با جناب داکتر صاحب اجمل عازم - رئیس مطبعه و انتشارات عازم و یا داکتر صاحب اکمل عازم به آدرس ذیل به تماس شوند:

Aazem Publications & Printing House
5th Street of Silo (در جوار مسجد سنگ کشان)
Kabul / Afghanistan
Aazem.pp@gmail.com
Phone: 9 397 957-2817

د پانو شمیره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ